

بسمه تعالی

جزوه احکام

جهت آزمون مرحله شهرستان

مسابقات فرهنگی هنری

پایه دوازدهم متوسطه دوم

دختران

مدیریت آموزش و پرورش چرداول

معاونت پرورشی و تربیت بدنی

کارشناس قرآن و عترت

احکام تخلی (بول و غائط کردن)

۵۷ واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند، و همچنین از دیوانه ممیز و بچه‌های ممیز که خوب و بد را می‌فهمند بپوشاند، ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند.

۵۸ لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را بپوشاند و اگر مثلاً با دست هم آن را بپوشاند کافی است.

۵۹ موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

۶۰ اگر موقع تخلی طرف جلوی بدن کسی رو به قبله یا پشت به قبله باشد و عورت را از قبله بگرداند، کفایت نمی‌کند. و اگر جلوی بدن او رو به قبله یا پشت به قبله نباشد، احتیاط واجب آن است که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله ننماید.

۶۱ در موقع تطهیر مخرج بول و غائط رو به قبله و پشت به قبله بودن اشکالی ندارد، ولی اگر در موقع استبراء، بول از مخرج بیرون آید در این حال رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام است.

۶۲ اگر برای آنکه نامحرم او را نبیند مجبور شود رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، باید رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند. و نیز اگر از راه دیگر ناچار باشد که رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، مانعی ندارد.

۶۳ احتیاط واجب آن است که بچه را در وقت تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند جلوگیری از او واجب نیست.

۶۴ در چهار جا تخلی حرام است: اول: در کوچه‌های بن بست در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشند. دوم: در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است. سوم: در جایی که برای عده مخصوصی وقف شده است، مثل بعضی از مدرسه‌ها. چهارم: روی قبر مؤمنین در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد.

۶۵ در سه صورت مخرج غائط فقط با آب پاک می‌شود: اول: آنکه با غائط، نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد. دوم: آنکه نجاستی از خارج به مخرج غائط رسیده باشد. سوم: آنکه اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد. و در غیر این سه صورت می‌شود مخرج را با آب شست و یا به دستوری که بعداً گفته می‌شود با پارچه و سنگ و مانند اینها پاک کرد، اگر چه شستن با آب بهتر است.

۶۶ مخرج بول با غیر آب پاک نمی‌شود، و مردها اگر بعد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است، ولی زنها و همچنین کسانی که بولشان از غیر مجرای طبیعی می‌آید، احتیاط واجب آن است که دو مرتبه بشویند.

۶۷ اگر مخرج غائط را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند، ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد. و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره‌ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست.

۶۸ هرگاه با سنگ و کلوخ و مانند اینها غائط را از مخرج برطرف کنند، اگر چه پاک شدنش محل تامل است، ولی نماز خواندن مانعی ندارد، و چنانچه چیزی هم به آن برسد نجس نمی‌شود، و ذره‌های کوچک و لزوجت محل اشکال ندارد.

۶۹ لازم نیست با سه سنگ یا سه پارچه مخرج را پاک کنند بلکه با اطراف یک سنگ یا یک پارچه هم کافی است، بلکه اگر با یک مرتبه هم غائط برطرف شد، کفایت می‌کند. ولی با استخوان و سرگین و یا چیزهایی که احترام آنها لازم است، مانند کاغذی که اسم خدا بر آن نوشته، اگر پاک کند محل را، نماز نمی‌تواند بخواند.

۷۰ اگر شک کند که مخرج را تطهیر کرده یا نه، اگر چه همیشه بعد از بول یا غائط فوراً تطهیر می‌کرده، باید خود را تطهیر نماید.

۷۱ اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز مخرج را تطهیر کرده یا نه، نمازی که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

راه نجس شدن چیزهای پاک

۱۲۵ اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد چیز پاک نجس می‌شود، و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد چیزی که پاک بوده نجس نمی‌شود.

۱۲۶ اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه آن چیز پاک نجس نمی‌شود.

۱۲۷ دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک است و کدام نجس است، اگر چیز پاک با رطوبت به یکی از آنها برسد نجس نمی‌شود، ولی اگر یکی از آنها قبلاً نجس بوده و انسان نداند پاک شده یا نه، چنانچه چیز پاک به آن برسد نجس می‌شود.

۱۲۸ زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد، هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است، و همچنین استخیر و خربزه و مانند اینها.

۱۲۹ هرگاه شیره و روغن روان باشد، همین که یک نقطه از آن نجس شد تمام آن نجس می‌شود ولی اگر روان نباشد، نجس نمی‌شود.

۱۳۰ اگر مگس یا حیوانی مانند آن روی چیز نجسی که تر است بنشیند و بعد روی چیز پاک که آن هم تر است بنشیند، چنانچه انسان بداند نجاست همراه آن حیوان بوده چیز پاک نجس می‌شود و اگر نداند پاک است.

۱۳۱ اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود هر جا که عرق به آن برسد نجس می‌شود، و اگر عرق به جای دیگر نرود جاهای دیگر بدن پاک است.

۱۳۲ اخلاطی که از بینی یا گلو می‌آید اگر خون داشته باشد جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است، و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می‌باشد.

۱۳۳ اگر آفتابه‌ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود آب آفتابه نجس می‌شود ولی اگر آبی که از زیر آفتابه خارج می‌شود در زمین فرو رود یا جاری شود به نحوی که با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب آفتابه نجس نمی‌شود.

۱۳۴ اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد در صورتی که بعد از بیرون آمدن آلوده به نجاست نباشد پاک است، پس اگر اسباب اماله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود یا سوزن و چاقو و مانند اینها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن به نجاست آلوده نباشد نجس نیست و همچنین است آب دهان و بینی اگر در داخل به خون برسد و بعد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد.

وضوی ارتماسی

۲۶۱ وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو، با مراعات شستن از بالا به پایین در آب فرو برد، لیکن برای این که مسح سر و پاها با آب وضو باشد، بایستی در شستن ارتماسی دستها، قصد شستن وضویی، هنگام بیرون آوردن دستها از آب باشد. و یا این که مقداری از دست چپ را باقی گذارد تا آن را با دست راست، ترتیبی بشوید.

۲۶۲ در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود. پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می‌برد قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد. و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد.

۲۶۳ اگر وضوی بعضی از اعضا را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد، اشکال ندارد.

احکام وضو

۲۹۹ کسی که در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

۳۰۰ اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه، بنا می‌گذارد که وضوی او باقی است. ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبت از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر، وضوی او باطل است.

۳۰۱ کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.

۳۰۲ کسی که می‌داند وضو گرفته و حدیثی هم از او سر زده مثلاً بول کرده، اگر نداند کدام جلوتر بوده، چنانچه پیش از نماز است باید وضو بگیرد و اگر در بین نماز است باید نماز را بشکند و وضو بگیرد، و اگر بعد از نماز است باید وضو بگیرد و باید نمازی را که خوانده دوباره بخواند.

۳۰۳ اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او صحیح است، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

۳۰۴ اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند.

۳۰۵ اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده صحیح است.

۳۰۶ اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می‌ریزد یا نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند. و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.

۳۰۷ اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و در بین نماز چند دفعه بول از او خارج می‌شود، وضوی اول کافی است. ولی چنانچه مرضی دارد که در بین نماز چند مرتبه غائط از او خارج می‌شود که اگر بخواهد بعد از هر دفعه وضو بگیرد سخت نیست، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت غائط از او خارج شد وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند.

۳۰۸ کسی که غائط او طوری پی در پی از او خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

۳۰۹ کسی که بول پی در پی از او خارج می‌شود، اگر در بین دو نماز قطره بولی از او خارج نشود، می‌تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند. و قطره‌هایی که بین نماز خارج می‌شود، اشکال ندارد.

۳۱۰ کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، می‌تواند چند نماز را با یک وضو بخواند، مگر اختیارا بول یا غائط کند، یا چیز دیگری که وضو را باطل می‌کند پیش آید.

۳۱۱ اگر مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن غائط خودداری کنند، عمل نماید.

۳۱۲ کسی که غائط پی در پی از او خارج می‌شود، باید برای هر نمازی وضو بگیرد و و فوراً مشغول نماز شود. ولی برای بجا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد، در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً بجا بیاورد، وضو گرفتن لازم نیست.

۳۱۳ کسی که بول او قطره قطره می‌ریزد باید برای نماز به وسیله کیسه‌ای که در آن، پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند، خود را حفظ نماید. و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد. و نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد، باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.

۳۱۴ کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد، باید به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید. و بنا بر احتیاط واجب اگر چه خرج داشته باشد، بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، خود را معالجه نماید.

۳۱۵ کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، بعد از آن که مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه‌اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود، باید نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند.

غسل ترتیبی

۳۶۱ در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ بدن را بشوید. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مساله به این ترتیب عمل نکنند، غسل او باطل است.

۳۶۲ نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود.

۳۶۳ برای آنکه یقین کند هر سه قسمت، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید. بلکه احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن، و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

۳۶۴ اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است، باید دوباره غسل کند.

۳۶۵ اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافی است، و اگر از طرف راست باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید. و اگر از سر و گردن باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

۳۶۶ اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، شستن همان مقدار کافی است. ولی اگر بعد از اشتغال به شستن طرف چپ در شستن طرف راست یا مقداری از آن شک کند یا بعد از اشتغال به شستن طرف راست در شستن سر و گردن یا مقداری از آن شک نماید، نباید اعتنا کند.

غسل ارتماسی

۳۶۷ در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود غسل او صحیح است، و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود.

۳۶۸ در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد و بعد از نیت غسل، بدن را حرکت دهد، غسل او صحیح است.

۳۶۹ اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده، چه جای آن را بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.

۳۷۰ اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد باید غسل ارتماسی کند.

۳۷۱ کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی‌تواند غسل ارتماسی کند. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است.

چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است

۶۸۴ تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ اگر پاک باشند، صحیح است. و به گل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است.

۶۸۵ تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگها صحیح است. ولی تیمم به جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می‌باشد. و احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیز دیگری که تیمم به آن صحیح است، به گچ و آهک پخته هم تیمم نکند. و اگر دسترسی به خاک و مانند آن ندارد و امر دایر است بین گچ یا آهک پخته، و بین غبار یا گل، باید به احتیاط واجب جمع کند بین تیمم به هر دو.

۶۸۶ اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینهاست، تیمم نماید. و اگر غبار در لای لباس و فرش باشد، تیمم به آن صحیح نیست، مگر آن که اول دست بزند تا روی آن، غبار آلوده شود، بعد تیمم کند. و چنانچه گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند. و اگر گل هم پیدا نشود، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند، و بنا بر احتیاط بعد از قضا آن را بجا آورد.

۶۸۷ اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمم به گرد باطل است. و اگر بتواند گل را خشک کند و از آن خاک تهیه نماید، تیمم به گل باطل می‌باشد.

۶۸۸ کسی که آب ندارد، اگر برف یا یخ داشته باشد، چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید. و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون وضو و تیمم بخواند، و بنابر احتیاط واجب بعداً قضا کند.

۶۸۹ اگر با خاک و ریگ، چیزی مانند کاه که تیمم به آن باطل است مخلوط شود، نمی‌تواند به آن تیمم کند. ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود، تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است.

۶۹۰ اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند، چنانچه ممکن است باید به خریدن و مانند آن تهیه نماید.

۶۹۱ تیمم به دیوار گلی صحیح است. و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمم نکند.

۵ احوط این است که تیمم کند و نمازش را در وقت بخواند و بعد قضای آن

۶۹۳ اگر یقین داشته باشد که تیمم به چیزی صحیح است و به آن تیمم نماید، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمم خوانده، باید دوباره بخواند.

۶۹۴ چیزی که بر آن تیمم می‌کند، باید غصبی نباشد.

۶۹۵ تیمم در فضای غصبی باطل نیست. پس اگر در ملک خود دستها را به زمین بزند و بی‌اجازه داخل ملک دیگری شود و دستها را به پیشانی بکشد، تیمم او باطل نمی‌شود.

۶۹۶ اگر نداند محل تیمم غصبی است و یا فراموش کرده باشد، تیمم او صحیح است، اگر چه فراموش کننده، خود غاصب باشد.

۶۹۷ کسی که در جای غصبی حبس است، اگر آب و خاک او غصبی است، باید با تیمم نماز بخواند.

۶۹۸ مستحب است چیزی که بر آن تیمم می‌کند، گردی داشته باشد که به دست بماند. و بعد از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

۶۹۹ تیمم به زمین گود و خاک جاده و زمین شوره زار که نمک روی آن را نگرفته، مکروه است. و اگر نمک روی آن را گرفته باشد، باطل است.

وقت نماز مغرب و عشا

۷۳۵ مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود.

۷۳۶ نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد که اگر کسی مثلاً مسافر باشد و تمام نماز عشا را سهوا در این وقت بخواند،

احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز مغرب، نماز عشا را دوباره بخواند. و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را عمدا نخواند، باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند. و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا، وقت مشترک نماز مغرب و عشا است، که اگر کسی در این وقت اشتباها نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

۷۳۷ وقت مخصوص و مشترک که معنی آن در مساله پیش گفته شد، برای اشخاص فرق می‌کند. مثلا اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است، تمام شده و داخل وقت مشترک می‌شود. و برای کسی که مسافر نیست، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد.

۷۳۸ اگر پیش از خواندن نماز مغرب، سهوا مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، چنانچه به رکوع رکعت چهارم نرفته است، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند. و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته باید نماز را تمام کند، بعد نماز مغرب را بخواند. اما اگر تمام آنچه را خوانده، در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد و پیش از رکوع رکعت چهارم یادش بیاید، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد از آن عشا را بخواند. ولی احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز عشا، دوباره نماز مغرب و عشا را بخواند و این احتیاط خیلی خوب است.

۷۳۹ آخر وقت نماز عشا نصف شب است. و احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها، شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب نمایند.

۷۴۰ اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند، بجا آورد.

پوشانیدن بدن در نماز

۷۸۸ مرد باید در حال نماز اگر چه کسی او را نمی‌بیند، عورتین خود را بپوشاند. و بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشاند.

۷۸۹ زن باید در موقع نماز تمام بدن، حتی سر و موی خود را بپوشاند. ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و دستها تا مچ، و پاها تا مچ پا لازم نیست. اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

۷۹۰ موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را بجامی آورد، بلکه بنابر احتیاط واجب در موقع سجده سهو هم، باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند.

۷۹۱ اگر انسان عمدا در نماز عورتش را نپوشاند، نمازش باطل است. بلکه اگر از روی ندانستن مساله هم باشد، بنابر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

۷۹۲ اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است، باید آن را بپوشاند. و چنانچه پوشاندن عورت زیاد طول بکشد، احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده، نمازش صحیح است.

۷۹۳ اگر در حال ایستاده، لباسش عورت او را می‌پوشاند، ولی ممکن است در حال دیگر مثلا در حال رکوع و سجود نپوشاند، چنانچه موقعی که عورت او پیدا می‌شود به وسیله‌ای آن را بپوشاند، نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که با آن لباس نماز نخواند.

۷۹۴ انسان می‌تواند در نماز خود را به علف و برگ درختان بپوشاند، ولی احتیاط مستحب آن است که موقعی خود را با اینها بپوشاند که چیز دیگری نداشته باشد.

۷۹۵ اگر غیر از گل هیچ چیز ندارد که در نماز خود را بپوشاند، گل ساتر نیست و می‌تواند برهنه نماز بخواند.

۷۹۶ اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند، چنانچه احتمال دهد که پیدا می‌کند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را تاخیر بیندازد و اگر چیزی پیدا نکرد، در آخر وقت مطابق وظیفه‌اش نماز بخواند.

۷۹۷ کسی که می‌خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد، و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن بپوشاند، در صورتی که نامحرم او را می‌بیند، باید نشسته نماز بخواند و عورت خود را با ران خود بپوشاند. و اگر کسی او را نمی‌بیند، ایستاده نماز بخواند و جلوی خود را با دست بپوشاند. و در هر صورت رکوع و سجود را با اشاره انجام می‌دهد و برای سجود سر را قدری پایین‌تر می‌آورد.

لباس نمازگزار

۷۹۸ لباس نمازگزار شش شرط دارد: اول: آنکه پاک باشد. دوم: آنکه مباح باشد. سوم: آنکه از اجزای مردار نباشد. چهارم: آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد. پنجم و ششم: آنکه اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. و تفصیل اینها در مسایل آینده گفته می‌شود.

شرط اول

۷۹۹ لباس نمازگزار باید پاک باشد. و اگر کسی عمدا با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

۸۰۰ کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است و مقصر در ندانستن حکم مساله باشد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می‌باشد.

۸۰۱ اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مساله، چیز نجسی را نداند نجس است، مثلا نداند عرق شتر نجاستخوار نجس است و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

۸۰۲ اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد دوباره آن نماز را بخواند.

۸۰۳ اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۸۰۴ کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از

پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض نماید یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده لباس را بیرون آورد. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد نماز به هم می‌خورد و اگر لباس را بیرون آورد برهنه می‌ماند، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

۸۰۵ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند بفهمد که نجس شده یا بفهمد که لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس، نماز را به هم نمی‌زند و می‌تواند لباس را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد و تمام کند. اما اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده و لباس را هم نمی‌تواند آب بکشد یا عوض کند، باید لباس را بیرون آورد و به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز را تمام کند. ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند، نماز به هم می‌خورد و به واسطه سرما و مانند آن نمی‌تواند لباس را بیرون آورد، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

۸۰۶ کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن او نجس است، و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را به هم نمی‌زند، باید آب بکشد. و اگر نماز را به هم می‌زند، باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

۸۰۷ کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نماز او صحیح است.

۸۰۸ اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، نمازش صحیح است.

۸۰۹ اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست، مثلاً یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهایی بوده که نمی‌شود با آن نماز خواند، نماز او صحیح است.

۸۱۰ هرگاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست، خون نجسی است که نماز با آن صحیح است، مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است، اگر چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، نمازش صحیح است.

۸۱۱ اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است. ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون اینکه خود را آب بکشد غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است. و نیز اگر جایی از اعضای وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و پیش از آنکه آن جا را آب بکشد وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد.

۸۱۲ کسی که یک لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، چنانچه بتواند لباسش را بیرون آورد، باید بدن را آب بکشد و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد. و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، در صورتی که نجاست هر دو مساوی باشد، مثلاً هر دو بول یا خون باشد، یا

نجاست بدن شدیدتر باشد، مثلاً نجاستش بول باشد که باید دو مرتبه آن را آب کشید، احتیاط واجب آن است که بدن را آب بکشد. و اگر نجاست لباس بیشتر یا شدیدتر باشد، هر کدام از بدن یا لباس را بخواهد، می‌تواند آب بکشد.

۸۱۳ کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد و وقت تنگ است یا احتمال نمی‌دهد که لباس پاک پیدا کند، اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نمی‌تواند لباس را بیرون بیاورد، باید در همان لباس نماز بخواند و نمازش صحیح است. ولی چنانچه بتواند لباس را بیرون بیاورد، باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد.

۸۱۴ کسی که دو لباس دارد، اگر بداند یکی از آنها نجس است و دارد باید با هر دو لباس نماز بخواند. مثلاً اگر می‌خواهد نماز ظهر و عصر بخواند، باید با هر کدام یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند. ولی اگر وقت تنگ است، باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد، بجا آورد. و به احتیاط واجب آن نماز را بالباس پاک قضا نماید.

شرط دوم

۸۱۵ لباس نمازگزار باید مباح باشد. و کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است، اگر عمداً در لباس غضبی یا در لباسی که نخ یا دگمه یا چیز دیگر آن غضبی است نماز بخواند، باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده نماید.

۸۱۶ کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است ولی نمی‌داند نماز را باطل می‌کند، اگر عمداً با لباس غضبی نماز بخواند، باید آن نماز را با لباس غیر غضبی بخواند.

۸۱۷ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و با آن، نماز بخواند، نمازش صحیح است. ولی اگر خودش آن لباس را غضب کرده باشد و بعداً فراموش کرده و با آن نماز خوانده، به احتیاط واجب باید آن نماز را اعاده کند.

۸۱۸ اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و در بین نماز بفهمد، چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است و می‌تواند فوراً یا بدون اینکه موالات یعنی پی در پی بودن نماز بهم بخورد لباس غضبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد و نمازش صحیح است. و اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده یا نمی‌تواند لباس غضبی را فوراً بیرون آورد یا اگر بیرون آورد پی در پی بودن نماز به هم می‌خورد، در صورتی که به تعداد یک رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را بشکند و با لباس غیر غضبی نماز بخواند. و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان، نماز را تمام نماید.

۸۱۹ اگر کسی برای حفظ جاننش با لباس غضبی نماز بخواند، یا مثلاً برای اینکه دزد لباس غضبی را نبرد با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

۸۲۰ اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است. و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

شرط سوم

۸۲۱ لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند، خون از آن جستن می‌کند، نباشد. بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی، خون جهنده ندارد لباس تهیه کند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

۸۲۲ باید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، بنابر احتیاط واجب همراه نمازگزار نباشد، گرچه لباس او هم نباشد.

۸۲۳ اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نمازگزار باشد یا با لباسی که از آنها تهیه کرده‌اند نماز بخواند، نمازش صحیح است.

شرط چهارم

۸۲۴ لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد. و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد نماز او باطل است.

۸۲۵ اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بردن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد، نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد، نماز صحیح است.

۸۲۶ اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، اشکال ندارد. و همچنین است اگر مروارید و موم و عسل همراه او باشد.

۸۲۷ اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخله تهیه شده باشد چه در خارجه، نماز با آن خواندن مانعی ندارد.

۸۲۸ اگر انسان احتمال دهد تکمه صدفی و مانند آن از حیوان است، نماز خواندن با آن مانعی ندارد. و اگر بداند صدف است و احتمال بدهد صدف گوشت نداشته باشد، نماز خواندن با آن مانع ندارد.

۸۲۹ با پوست سنجاب و خز نماز خواندن اشکال ندارد.

۸۳۰ اگر با لباسی که نمی‌داند که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند، نمازش صحیح است. ولی اگر فراموش کرده باشد، بنابر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.

شرط پنجم

۸۳۱ پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است. ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

۸۳۲ زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند. ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

۸۳۳ اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباسش از طلا است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

۸۳۴ لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است. و در چیزی که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد.

۸۳۵ اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن ابریشم خالص باشد، پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است.

۸۳۶ لباسی را که نمی‌داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، پوشیدن آن اشکال ندارد، و نماز با آن صحیح است.

۸۳۷ دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد، اشکال ندارد، و نماز را باطل نمی‌کند.

۸۳۸ پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

۸۳۹ پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده، در حال ناچاری مانعی ندارد. و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد و تا آخر وقت هم، ناچاری او از بین نمی‌رود، می‌تواند با این لباسها نماز بخواند.

۸۴۰ اگر غیر از لباس غصبی و لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

۸۴۱ اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد چنانچه در پوشیدن لباس ناچار باشد می‌تواند با همان لباس نماز بخواند و اگر ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را بجا آورد، و بنا بر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند.

۸۴۲ اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف لباس دیگری نداشته باشد چنانچه در پوشیدن لباس ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

۸۴۳ اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند، واجب است اگرچه به کرایه یا خریداری باشد تهیه نماید. ولی اگر تهیه آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارایی او زیاد است، یا طوری است که اگر پول را به مصرف لباس برساند به حال او ضرر دارد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز بخواند.

۸۴۴ کسی که لباس ندارد، اگر دیگری لباس به او ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقت نداشته باشد، باید قبول کند. بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سخت نیست، باید از کسی که لباس دارد طلب بخشش یا عاریه نماید.

۸۴۵ بنا بر احتیاط واجب باید انسان از پوشیدن لباس شهرت که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشاند معمول نیست، خودداری کند. ولی اگر با آن لباس نماز بخواند، اشکال ندارد.

۸۴۶ احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه، و زن لباس مردانه نپوشد. ولی اگر با آن نماز بخواند، اشکال ندارد.

۸۴۷ کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزای حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که در نماز، خود را با آنها نپوشاند.

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد

۸۴۸ در سه صورت که تفصیل آنها بعداً گفته می‌شود، اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است: اول: آنکه به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن او است، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد. دوم: آنکه بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم که تقریباً به اندازه یک اشرفی می‌شود، به خون آلوده باشد. سوم: آنکه ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز

بخواند. و در دو صورت اگر فقط لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است: اول: آنکه لباسهای کوچک او مانند جوراب و عرقچین نجس باشد. دوم: آنکه لباس زنی که پرستار بچه است، نجس شده باشد. و احکام این پنج صورت مفصلا در مسائل بعد گفته می‌شود.

۸۴۹ اگر در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم یا برای خصوص او سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند. و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشته‌اند و نجس شده، در بدن یا لباس او باشد.

۸۵۰ اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است، در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

۸۵۱ اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند. ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولا به رطوبت زخم آلوده می‌شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

۸۵۲ اگر از توی دهان و بینی و مانند اینهاست خونی به بدن یا لباس برسد احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند ولی با خون بواسیر میشود نماز خواند اگر چه دانه‌هایش در داخل باشد.

۸۵۳ کسی که بدنش زخم است اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر با آن نماز خواندن مانعی ندارد.

۸۵۴ اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد، باید برای نماز بدن و لباس را از خون آن، آب بکشد.

۸۵۵ اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است، و بنابر احتیاط واجب باید خون استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار نباشد. ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت، و خون سگ و خوک و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت، اگر چه در چند جای بدن و لباس باشد، در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد که تقریبا به اندازه یک اشرفی می‌شود نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی احتیاط مستحب آن است که از خون سگ و کافر و مردار و حیوان حرام گوشت، اجتناب کند.

۸۵۶ خونی که به لباس بی‌آستر بریزد و به پشت آن برسد، یک خون حساب می‌شود. ولی اگر پشت آن، جدا خونی شود، بنابر احتیاط واجب باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است، روی هم کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح، و اگر بیشتر باشد، نماز با آن نماز باطل است.

۸۵۷ اگر خون روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد، و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خون روی لباس و آستر کمتر از درهم باشد، نماز با آن صحیح، و اگر بیشتر باشد، نماز با آن باطل است.

۸۵۸ اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد، در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده، به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است. بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد. ولی اگر رطوبت مخلوط به خون شود و از بین برود، نماز صحیح است.

۸۵۹ اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود، اگرچه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی‌شود با آن، نماز خواند.

۸۶۰ اگر خونی که در بدن یا لباس است، کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد، مثلاً یک قطره بول روی آن بریزد، نماز خواندن با آن جایز نیست.

۸۶۱ اگر لباسهای کوچک نمازگزار مثل عرقچین و جوراب که نمی‌شود با آنها عورت را پوشانده نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد، نماز با آنها صحیح است. و نیز اگر با انگشتی نجس نماز بخواند، اشکال ندارد.

۸۶۲ احتیاط آن است که چیز نجسی که با آن می‌شود عورت را پوشاند، همراه نمازگزار نباشد. ولی کسی که این مسأله را نمی‌دانسته و مثلاً مدتی با این طور نماز خوانده، لازم نیست آن نمازها را قضا کند.

۸۶۳ زنی که پرستار بچه است و بیشتر از یک لباس ندارد هرگاه شبانه روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد اگرچه تا روز دیگر لباسش به بول بچه نجس شود می‌تواند با آن لباس نماز بخواند ولی احتیاط واجب آن است که لباس خود را در شبانه روز یک مرتبه برای اولین نمازی که لباسش پیش از آن نجس شده آب بکشد و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد چنانچه شبانه روزی یک مرتبه به دستوری که گفته شده همه آنها را آب بکشد کافی است.

چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است

۸۶۴ چند چیز در لباس نمازگزار مستحب است که از آن جمله است: عمامه با تحت الحنک، پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها، و استعمال بوی خوش، و دست کردن انگشتی عقیق.

چیزهایی که در لباس نمازگزار مکروه است

۸۶۵ چند چیز در لباس نمازگزار مکروه است، و از آن جمله است: پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ، و لباس شرابخوار، و لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی‌کند، و لباسی که نقش صورت دارد. و نیز باز بودن تکه‌های لباس و دست کردن انگشتی که نقش صورت دارد، مکروه می‌باشد.

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار چند شرط دارد: شرط اول: آنکه مباح باشد.

۸۶۶ کسی که در ملک غصبی نماز می‌خواند، اگر چه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد، نمازش باطل است. ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی، مانعی ندارد.

۸۶۷ نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است بدون اجازه کسی که منفعت ملک مال او می‌باشد باطل است مثلاً در خانه اجاره‌ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند نمازش باطل است و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حق دارد نماز بخواند مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی‌شود در ملک او نماز خواند.

۸۶۸ کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.

۸۶۹ اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است، نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، یا در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده، نماز بخواند، و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است. مگر آنکه خودش غصب کرده باشد، که در این صورت به احتیاط واجب، نمازش باطل است.

۸۷۰ اگر بداند جایی غصبی است ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است، و در آنجا نماز بخواند، نماز او باطل است.

۸۷۱ کسی که ناچار است نماز واجب را سواره بخواند، چنانچه حیوان سواری یا زین آن غصبی باشد، نماز او باطل است و همچنین است اگر بخواهد سواره نماز مستحبی بخواند.

۸۷۲ کسی که در ملکی با دیگری شریک است اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی‌تواند در آن ملک تصرف کند، و نماز بخواند.

۸۷۳ اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است. و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد.

۸۷۴ اگر صاحب ملک به زبان اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً راضی نیست نماز خواندن در ملک او باطل است و اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است نماز صحیح است.

۸۷۵ تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است مگر آنکه بدهکاری او را بدهند یا بنا داشته باشند بدون مسامحه بپردازند.

۸۷۶ تصرف در ملک میتی که به مردم بدهکار است حرام، و نماز در آن باطل است. ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است، اشکال ندارد. و نیز اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و ورثه هم تصمیم داشته باشند که بدهی را بدهند، تصرفی که غیر فروختن و از بین بردن مال باشد، اشکال ندارد.

۸۷۷ اگر میت قرض نداشته باشد، ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غایب باشند، تصرف در ملک او حرام، و نماز در آن باطل است. ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است، اشکال ندارد.

۸۷۸ نماز خواندن در مسافر خانه و حمام و مانند اینها که برای واردین آماده است اشکال ندارد و اگر وثوق پیدا نشود که صاحبش راضی است مشکل است ولی در غیر این قبیل جاها، در صورتی می‌شود نماز خواند که مالک آن اجازه بدهد، یا حرفی بزند که معلوم شود، برای نماز خواندن اذن داده است مثل اینکه به کسی اجازه دهد در ملک او بنشیند و بخوابد که از اینها فهمیده می‌شود برای نماز خواندن هم اذن داده است.

۸۷۹ در زمین بسیار وسیعی که از ده دور و چراگاه حیوانات است، اگر چه صاحبانش راضی نباشند، نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در آن اشکال ندارد. و در زمینهای زراعتی هم که نزدیک ده است و دیوار ندارد، اگر چه در مالکین آنها صغیر و دیوانه باشد، نماز و عبور و تصرفات جزئی اشکال ندارد. ولی اگر یکی از صاحبانش ناراضی باشند، تصرف در آن حرام و نماز باطل است.

۸۸۰ شرط دوم: مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد، و اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد مانند اتومبیل و کشتی و ترن نماز بخواند، به قدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند، و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند به طرف قبله برگردد.

۸۸۱ نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و ترن و مانند اینها، وقتی ایستاده اند، مانعی ندارد.

۸۸۲ روی خرمن گندم و جو و مانند اینها، که نمی شود بی حرکت ماند، نماز باطل است.

۸۸۳ در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، اگر به امید تمام کردن شروع کند، اشکال ندارد. و اگر به مانعی برخورد، نمازش صحیح است. و در جایی که ماندن در آن نماز نخواند، ولی اگر خواند نماز باطل نیست. و همچنین روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است، مثل فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده، باید نماز نخواند، ولی اگر خواند، صحیح است.

شرط سوم: آنکه در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند در آنجا راست بایستد، یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد، نماز نخواند. و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند، باید به قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را بجا آورد.

۸۸۴ انسان باید رعایت ادب را بکند، و جلوتر از قبر پیغمبر و امام علیه السلام نماز نخواند. چنانچه نماز خواندن بی احترامی باشد، حرام است ولی نماز باطل نیست.

۸۸۵ اگر در نمازی چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد که بی احترامی نشود اشکال ندارد، ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه ای که روی آن افتاده، کافی نیست.

شرط چهارم: آنکه مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد، ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد، نماز باطل است، و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

۸۸۶ بنا بر احتیاط مستحب، باید زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن کمی عقب تر باشد.

۸۸۷ اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد، و با هم وارد نماز شوند، بهتر آن است که نماز را دوباره بخوانند.

۸۸۸ اگر بین مرد و زن، دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد، نمازشان صحیح است، و احتیاط مستحب هم در دوباره خواندن نیست.

شرط پنجم: آنکه جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد، و احتیاط واجب آن است که از سرانگشتان پا هم بیشتر از این پست و بلند تر نباشد.

۸۸۹ بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت، جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آنجا است. لیکن اگر خواند، نمازش باطل نیست.

۸۹۰ نماز خواندن در جایی که تار و مانند آن استعمال می‌کنند باطل نیست ولی گوش دادن به آنها حرام است.

۸۹۱ در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب خواندن مکروه است ولی در حال ناچاری مانع ندارد.

۸۹۲ خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن اشکال ندارد. بلکه مستحب است در داخل خانه مقابل هر رکنی دو رکعت نماز بخوانند.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است

۸۹۳ در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند. و بهتر از همه مسجدها مسجدالحرام است، و بعد از آن مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، و بعد مسجد کوفه، و بعد از آن مسجد بیت‌المقدس، و بعد از مسجد بیت‌المقدس مسجد جامع هر شهر، و بعد از آن مسجد محله، و بعد از مسجد محله مسجد بازار است.

۸۹۴ برای زنها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوقخانه و اطاق عقب بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند.

۸۹۵ نماز در حرم امامان علیهم‌السلام مستحب، بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام برابر دویست هزار نماز است.

۸۹۶ زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است. و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

۸۹۷ مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، و همسایه او نشود، و از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

۸۹۸ نماز خواندن در چند جا مکروه است و از آن جمله است: حمام، زمین نم‌گزار، مقابل انسان، مقابل دری که باز است، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد. و چنانچه زحمت باشد حرام ولی نماز باطل نیست، مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه و هر کجا که کوره آتش باشد، مقابل چاه و چاله‌ای که محل بول باشد، روبروی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آنکه روی آن پرده بکشند، در اطاقی که جنب در آن باشد، در جایی که عکس باشد اگر چه روبروی نمازگزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر، در قبرستان.

۸۹۹ کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی اوست، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد، و اگر چوب یا ریسمانی هم باشد کافی است.

رکوع

۱۰۲۲ در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد، و این عمل را رکوع می‌گویند.

۱۰۲۳ اگر به اندازه رکوع خم شود ولی دستها را به زانو نگذارد اشکال ندارد.

۱۰۲۴ هرگاه رکوع را بطور غیر معمول بجا آورد، مثلا به چپ یا راست خم شود، اگر چه دستهای او به زانو برسد صحیح نیست.

۱۰۲۵ خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کار دیگری مثلا برای کشتن جانور خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود، و به واسطه این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.

۱۰۲۶ کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد، مثلا دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می‌رسد یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد باید به اندازه معمول خم شود.

۱۰۲۷ کسی که نشسته رکوع می‌کند باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد، و بهتر است به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد.

۱۰۲۸ انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه "سبحان الله" یا یک مرتبه "سبحان ربی العظیم و بحمدہ" کمتر نباشد.

۱۰۲۹ ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگویند.

۱۰۳۰ در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکری که برای رکوع دستور داده‌اند بگوید بنابر احتیاط واجب، آرام بودن بدن لازم است.

۱۰۳۱ اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می‌گوید، بی‌اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود باید بعد از آرام گرفتن بدن بنابر احتیاط واجب دوباره ذکر را بگوید ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود، یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد.

۱۰۳۲ اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمدا ذکر رکوع را بگوید نمازش باطل است.

۱۰۳۳ اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمدا سر از رکوع بردارد نمازش باطل است، و اگر سهوا سر بردارد چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید، و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید، نماز او صحیح است.

۱۰۳۴ اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند در صورتی که بتواند پیش از آنکه از حد رکوع بیرون رود ذکر را بگوید، باید در آن حال تمام کند. و اگر نتواند، در حال برخاستن ذکر را به قصد رجاء بگوید.

۱۰۳۵ اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد نماز صحیح است، ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب یعنی "سبحان ربی العظیم و بحمدہ" یا سه مرتبه "سبحان الله" را بگوید.

۱۰۳۶ هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند باید به هر اندازه می‌تواند خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند، و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید.

۱۰۳۷ کسی که می‌تواند ایستاده نماز بخواند اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند، و اگر نتواند اشاره کند باید به نیت رکوع چشمها را هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع چشمها را باز کند. و اگر از این هم عاجز است باید در قلب نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

۱۰۳۸ کسی که نمی‌تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط می‌تواند در حالی که نشسته است خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می‌تواند برای رکوع خم شود.

۱۰۳۹ اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد و دو مرتبه به قصد رکوع به اندازه رکوع خم شود نمازش باطل است، و نیز اگر بعد از آنکه به اندازه رکوع خم شد و بدنش آرام گرفت به قصد رکوع به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و بهتر آن است که نماز را تمام کند و از سر بخواند.

۱۰۴۰ بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید راست بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده رود، و اگر عمدا پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

۱۰۴۱ اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است.

۱۰۴۲ اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین برسد یادش بیاید که رکوع نکرده، بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد، و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

۱۰۴۳ مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید و در رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو قدم را نگاه کند و پیش از ذکر یا بعد از آن صلوات بفرستد و بعد از آنکه از رکوع برخاست و راست ایستاد، در حال آرامی بدن بگوید: "سمع الله لمن حمده".

۱۰۴۴ مستحب است در رکوع زنها دست را از زانو بالاتر بگذارند و زانوها را به عقب ندهند.

سجود

۱۰۴۵ نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

۱۰۴۶ دو سجده روی هم یک رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمدا یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است.

۱۰۴۷ اگر عمدا یک سجده کم یا زیاد کند نماز باطل می‌شود، و اگر سهوا یک سجده کم کند حکم آن بعدا گفته خواهد شد.

۱۰۴۸ اگر پیشانی را عمدا یا سهوا به زمین نگذارد سجده نکرده است اگر چه جاهای دیگر به زمین برسد، ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارد و سهوا جاهای دیگر را به زمین نرساند یا سهوا ذکر نگوید سجده صحیح است.

۱۰۴۹ در سجده هر ذکر بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه «سبحان الله» یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ» کمتر نباشد و مستحب است «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

۱۰۵۰ در سجود باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد. و موقع گفتن ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکر که برای سجده دستور داده‌اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.

۱۰۵۱ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید یا پیش از تمام شدن ذکر عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.

۱۰۵۲ اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد سهواً ذکر سجده را بگوید و پیش از آن که سر از سجده بردارد، بفهمد اشتباه کرده باید دوباره در حال آرام بودن ذکر را بگوید.

۱۰۵۳ اگر بعد از آن که سر از سجده برداشت، بفهمد که پیش از آرام گرفتن بدن ذکر را گفته یا پیش از آن که ذکر سجده تمام شود سر برداشته، نمازش صحیح است.

۱۰۵۴ اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

۱۰۵۵ اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد نمی‌تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

۱۰۵۶ بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

۱۰۵۷ جای پیشانی نمازگزار باید از جاهای زانوهایش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که جای پیشانی او از جای انگشتانش پست‌تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.

۱۰۵۸ در زمین سرایش که سرایشی آن درست معلوم نیست احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد.

۱۰۵۹ اگر پیشانی را سهواً به چیزی بگذارد که از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است چنانچه بلندی آن به قدری است که نمی‌گویند در حال سجده است می‌تواند سر را بردارد و به چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بگذارد، و می‌تواند سر را به روی آن چه به اندازه چهار انگشت یا کمتر است بکشد، و اگر بلندی آن به قدری است که می‌گویند در حال سجده است احتیاط واجب آن است که پیشانی را از روی آن به روی چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بکشد، و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست بنا بر احتیاط واجب باید پیشانی را بلند کند و بر موضعی که بلندی زایدی ندارد بگذارد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

۱۰۶۰ باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند چیزی نباشد، پس اگر مهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد سجده باطل است، ولی اگر مثلاً رنگ مهر تغییر کرده باشد، اشکال ندارد.

۱۰۶۱ در سجده باید کف دست را بر زمین بگذارد ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد، و اگر پشت دست ممکن نباشد باید مچ دست را بگذارد، و چنانچه آن را هم نتواند باید تا آرنج هر جا که میتواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست گذاشتن بازو کافی است.

۱۰۶۲ در سجده بنا بر احتیاط واجب باید سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد و اگر انگشتهای دیگر پا یا روی پا را به زمین بگذارد یا به واسطه بلند بودن ناخن، سر شست به زمین نرسد نمازش باطل است.

۱۰۶۳ کسی که مقداری از شست پایش بریده باید بقیه آن را به زمین بگذارد، و اگر چیزی از آن نمانده یا اگر مانده خیلی کوتاه است باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشت ندارد باید هر مقداری از پا باقی مانده به زمین بگذارد.

۱۰۶۴ اگر به طور غیر معمول سجده کند مثلا سینه و شکم را به زمین بچسباند بنا بر احتیاط مستحب باید نماز را دوباره بخواند، ولی اگر پاها را دراز کند، اگرچه هفت عضو که گفته شد به زمین برسد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

۱۰۶۵ مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده میکنند باید پاک باشد ولی اگر مثلا مهر را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد.

۱۰۶۶ اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد، چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند. و اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد.

۱۰۶۷ اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست، به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست باید به هر جای از صورت که ممکن است سجده کند. و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نیست، باید با جلو سر سجده نماید.

۱۰۶۸ کسی که نمیتواند پیشانی را به زمین برساند باید به قدری که میتواند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد.

۱۰۶۹ کسی که هیچ نمی تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، و اگر نتواند باید با چشمها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که اگر میتواند بقدری مهر را بلند کند که پیشانی را بر آن بگذارد و اگر نمیتواند احتیاط مستحب آن است که مهر را بلند کند و به پیشانی بگذارد و اگر با سر یا چشمها هم نمیتواند اشاره کند باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

۱۰۷۰ کسی که نمیتواند بنشیند باید ایستاده نیت سجده کند و چنانچه میتواند برای سجده با سر اشاره کند، و اگر نمیتواند با چشمها اشاره نماید، و اگر این را هم نمیتواند در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

۱۰۷۱ اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد و این یک سجده حساب می شود چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد روی هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید.

۱۰۷۲ جایی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود.

۱۰۷۳ اگر روی چیزی که بدن روی آن آرام نمی‌گیرد سجده کند باطل است. ولی روی تشک پر یا چیز دیگری که بعد از سر گذاشتن و مقداری پایین رفتن آرام می‌گیرد سجده کند، اشکال ندارد.

۱۰۷۴ اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید در حالی که ایستاده است برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند.

۱۰۷۵ در رکعت اول و رکعت سوم که تشهد ندارد مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا اگر بعد از سجده دوم بدون آنکه مقداری بنشیند برای رکعت بعد برخیزد نمازش صحیح است، ولی بنا بر احتیاط واجب باید بعد از سجده دوم قدری بی‌حرکت بنشیند و بعد برخیزد.

تشهد

۱۱۰۰ در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند یعنی بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد».

۱۱۰۱ کلمات تشهد باید به عربی صحیح و به طوری که معمول است پشت سر هم گفته شود.

۱۱۰۲ اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز تشهد را قضا کند و بنا بر احتیاط واجب برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو بجا آورد.

۱۱۰۳ مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید: «الحمد لله» یا بگوید: «بسم الله و بالله و الحمد لله و خیر الاسماء لله» و نیز مستحب است دستها را بر رانها بگذارد و انگشتها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد بگوید: «و تقبل شفاعته و ارفع درجته».

۱۱۰۴ مستحب است زنها در وقت خواندن تشهد رانها را به هم بچسبانند.

سلام نماز

۱۱۰۵ بعد از تشهد رکعت آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: «السلام علیک ایها النبی و رحمۃ الله و برکاته» و بعد از آن باید بگوید: «السلام علیکم» و احوط استجابی آن است که «و رحمۃ الله و برکاته» را اضافه نماید یا بگوید: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین».

۱۱۰۶ اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند مثل پشت به قبله کردن انجام نداده باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است.

۱۱۰۷ اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده است چنانچه پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند مثل پشت به قبله کردن انجام نداده باشد نمازش صحیح است و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند انجام داده باشد بنا بر احتیاط نمازش باطل است گرچه صحیح بودن آن خالی از قوت نیست.

ترتیب

۱۱۰۸ اگر عمدا ترتیب نماز را به هم بزند مثلا سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع بجا آورد، نماز باطل می‌شود.

۱۱۰۹ اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد مثلا پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.

۱۱۱۰ اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد مثلا پیش از آنکه دو سجده کند تشهد بخواند باید رکن را بجا آورد و آنچه را اشتباها پیش از آن خوانده دوباره بخواند.

۱۱۱۱ اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد، مثلا حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.

۱۱۱۲ اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و آن هم رکن نیست بجا آورد مثلا حمد را فراموش کند و سوره را بخواند چنانچه مشغول رکن بعد شده باشد مثلا در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بگذرد و نماز او صحیح است و اگر مشغول رکن بعد نشده باشد باید آنچه را فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن چیزی را که اشتباها جلوتر خوانده دوباره بخواند.

۱۱۱۳ اگر سجده اول را به خیال این که سجده دوم است یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است بجا آورد نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می‌شود.

موالات

۱۱۱۴ انسان باید نماز را با موالات بخواند یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت‌سر هم بجا آورد و چیزهایی را که در نماز می‌خواند به طوری که معمول است پشت‌سر هم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.

۱۱۱۵ اگر در نماز سهوا بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد باید آن حرفها یا کلمات را به طور معمول بخواند و اگر مشغول رکن بعد شده باشد نمازش صحیح است.

۱۱۱۶ طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ موالات را به هم نمی‌زند.

قنوت

۱۱۱۷ در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند و در نماز وتر با آن که یک رکعت می‌باشد خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد.

۱۱۱۸ اگر بخواند قنوت بخواند به احتیاط واجب باید دستها را بلند کند و مستحب است دستها را تا مقابل صورت بلند نماید و کف دستها را رو به آسمان قرار دهد و به قصد رجاء انگشتان دستها را به جز ابهام به هم بچسباند و هر دو کف دستها را پهلوی هم متصل به هم قرار دهد و نگاهش هنگام قنوت به کف دستهایش باشد.

۱۱۱۹ در قنوت هر ذکری بگوید اگر چه یک «سبحان الله» باشد کافی است. و بهتر است بگوید: «لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين».

۱۱۲۰ مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند. ولی برای کسی که نماز را به جماعت می‌خواند، اگر امام جماعت صدای او را بشنود، بلند خواندن قنوت مستحب نیست.

۱۱۲۱ اگر عمدا قنوت نخواند قضا ندارد و اگر فراموش کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید مستحب است بایستد و بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید مستحب است بعد از سلام نماز قضا نماید.

تعقیب نماز

۱۱۲۲ مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شود و بهتر است پیش از آنکه از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و تیمم او باطل شود رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب به عربی باشد ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده‌اند بخواند و از تعقیبهایی که خیلی سفارش شده است تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها است که باید به این ترتیب گفته شود: ۳۴ مرتبه «الله اکبر»، بعد مرتبه ۳۳ «الحمد لله»، بعد از آن مرتبه ۳۳ «سبحان الله» و می‌شود «سبحان الله» را پیش از «الحمد لله» گفت ولی بهتر است بعد از «الحمد لله» گفته شود.

۱۱۲۳ مستحب است بعد از نماز سجده شکر نماید و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافی است، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه «شکرا لله» یا «شکرا» یا «عفو» بگوید و نیز مستحب است هر وقت نعمتی به انسان می‌رسد یا بلائی از او دور می‌شود سجده شکر بجا آورد.

نماز جماعت

۱۳۹۹ مستحب است نمازهای واجب خصوصا نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا خصوصا برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود بیشتر سفارش شده است.

۱۴۰۰ در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می‌شود تا به ده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

۱۴۰۱ حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۱۴۰۲ مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی یعنی تنها خوانده شود، بهتر است. و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخواند، از نماز فرادی که آن را طول بدهند، بهتر می‌باشد.

۱۴۰۳ وقتی که جماعت بر پا می‌شود مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده نماز دوم او کافی است.

۱۴۰۴ اگر امام یا ماموم بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد، اشکال ندارد.

۱۴۰۵ کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند.

۱۴۰۶ اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند چون اطاعت پدر و مادر واجب است، بنابر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استحباب نماید.

۱۴۰۷ احتیاط واجب آن است که نماز عید فطر و قربان را در زمان غیبت امام علیه‌السلام با جماعت نخوانند، ولی به قصد رجاء مانع ندارد و نمازهای مستحبی را هم نمی‌شود به ماعت خواند مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می‌خوانند.

۱۴۰۸ موقعی که امام جماعت نماز یومیه می‌خواند هر کدام از نمازهای یومیه را می‌شود به او اقتدا کرد ولی اگر نماز یومیه‌اش را احتیاطاً دوباره می‌خواند فقط در صورتی که ماموم احتیاطش با امام یکی باشد می‌تواند به او اقتدا کند.

۱۴۰۹ اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را می‌خواند می‌شود به او اقتدا کرد، ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می‌کند یا قضای احتیاطی نماز کس دیگر را می‌خواند اگر چه برای آن پول نگرفته باشد اقتدای به او اشکال دارد ولی اگر انسان بداند صورت اقتدای به او اشکال ندارد.

۱۴۱۰ اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب نمی‌تواند به او اقتدا کند.

۱۴۱۱ اگر امام در محراب باشد و کسی پشت‌سر او اقتدا نکرده باشد کسانی که دو طرف محراب ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند، نمی‌توانند اقتدا کنند، بلکه اگر کسی هم پشت‌سر امام اقتدا کرده باشد اقتدا کردن کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند اشکال دارد، بلکه باطل است.

۱۴۱۲ اگر به واسطه درازی صف اول، کسانی که دو طرف صف ایستاده‌اند امام را نبینند می‌توانند اقتدا کنند و نیز اگر به واسطه درازی یکی از صفهای دیگر، کسانی که دو طرف آن ایستاده‌اند، صف جلوی خود را نبینند، می‌توانند اقتدا نمایند.

۱۴۱۳ اگر صفهای جماعت تا درب مسجد برسد کسی که مقابل درب پشت صف ایستاده نمازش صحیح است، و نیز نماز کسانی که پشت‌سر او اقتدا می‌کنند، صحیح می‌باشد ولی نماز کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند و صف جلو را نمی‌بینند، اشکال دارد، بلکه باطل است.

۱۴۱۴ کسی که پشت‌ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه ماموم دیگر به امام متصل نباشد نمی‌تواند اقتدا کند. بلکه اگر از دو طرف هم متصل باشد، ولی از صف جلو حتی یک نفر را هم نبیند، جماعت او صحیح نیست.

۱۴۱۵ جای ایستادن امام باید از جای ماموم بلندتر نباشد ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد، اشکال ندارد. و نیز اگر زمین سراسیم باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سراسیمی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن زمین مسطح بگویند مانعی ندارد.

۱۴۱۶ اگر جای ماموم بلندتر از جای امام باشد در صورتی که بلندی به مقدار متعارف زمان قدیم باشد مثل آن که امام در صحن مسجد و ماموم در پشت بام بایستد اشکال ندارد، ولی اگر مثل ساختمانهای چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.

۱۴۱۷ اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد فاصله شود، چنانچه ندانند نماز او باطل است، می‌تواند اقتدا کنند.

۱۴۱۸ بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آماده نماز، و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

۱۴۱۹ اگر بداند نماز یک صف از صفهای جلو باطل است، در صفهای بعد نمی‌تواند اقتدا کند، ولی اگر نداند نماز آنان صحیح است یا نه، می‌تواند اقتدا نماید.

۱۴۲۰ هرگاه بداند نماز امام باطل است مثلاً بداند امام وضو ندارد، اگر چه خود امام ملتفت نباشد، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

۱۴۲۱ اگر ماموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده، یا کافر بوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلاً بی وضو نماز خوانده، نمازش صحیح است.

۱۴۲۲ اگر در بین نماز شک کند که اقتدا کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که وظیفه ماموم است، مثلاً به حمد و سوره امام گوش می‌دهد باید نماز را به جماعت تمام کند، و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه امام و هم وظیفه ماموم است مثلاً در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را به نیت فرادی تمام نماید.

۱۴۲۳ انسان در بین نماز جماعت می‌تواند نیت فرادی کند.

۱۴۲۴ اگر ماموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادی کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی نماید، باید مقداری را که امام نخوانده بخواند.

۱۴۲۵ اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی نماید، بنا بر احتیاط واجب نباید دوباره نیت جماعت کند. ولی اگر مردد شود که نیت فرادی کند یا نه، و بعد تصمیم بگیرد نماز را با جماعت تمام کند، نمازش صحیح است.

۱۴۲۶ اگر شک کند که نیت فرادی کرده یا نه، باید بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است.

۱۴۲۷ اگر موقعی که امام در رکوع است، اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود، اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد، نمازش به طور فرادی صحیح می‌باشد و باید آن را تمام نماید.

۱۴۲۸ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود و شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش صحیح است و فرادی می‌شود.

۱۴۲۹ اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، امام سر از رکوع بردارد، می‌تواند نیت فرادی کند، یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند و لی اگر برخاستن امام به قدری طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می‌خواند، باید نیت فرادی نماید.

۱۴۳۰ اگر اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آن که به رکوع رود امام سر از رکوع بردارد، نماز او به طور جماعت صحیح است، و باید رکوع کند و خود را به امام برساند.

۱۴۳۱ اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیر الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، بعد بایستد و بدون آن که دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

۱۴۳۲ ماموم نباید جلوتر از امام بایستد، و اگر مساوی او هم بایستد، اشکال دارد و به احتیاط واجب باید کمی عقب تر از امام بایستد، اگر چه قد او بلندتر از امام باشد، که در رکوع و سجود سرش جلوتر از امام باشد.

۱۴۳۳ در نماز جماعت باید بین ماموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی‌شود فاصله نباشد، و همچنین است بین انسان و ماموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است ولی اگر امام، مرد و ماموم زن باشد چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و ماموم دیگری که مرد است و زن به بواسطه او به امام متصل شده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد.

۱۴۳۴ اگر بعد از شروع به نماز بین ماموم و امام یا بین ماموم و کسی که ماموم به واسطه او متصل به امام است پرده یا چیز دیگری که پشت آن را نمی‌توان دید فاصله شود، نمازش فرادی می‌شود، و صحیح است.

۱۴۳۵ اگر بین جای سجده ماموم و جای ایستادن امام به قدر گشادی بین دو قدم فاصله باشد اشکال ندارد، و نیز اگر بین انسان به واسطه مامومی که جلوی او ایستاده و انسان به وسیله او به امام متصل است به همین مقدار فاصله باشد نمازش اشکال ندارد، و احتیاط مستحب آن است که جای سجده ماموم با جای کسی که جلوی او ایستاده هیچ فاصله نداشته باشد.

۱۴۳۶ اگر ماموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد، چنانچه به اندازه گشادی بین دو قدم هم فاصله داشته باشند نمازش صحیح است.

۱۴۳۷ اگر در نماز بین ماموم و امام یا بین ماموم و کسی که ماموم به واسطه او به امام متصل است بیشتر از یک قدم بزرگ فاصله پیدا شود نمازش فرادی می‌شود و صحیح است.

۱۴۳۸ اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادی نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد نماز صف بعد به طور جماعت صحیح، و اگر بیشتر از این مقدار باشد فرادی می‌شود و صحیح است.

۱۴۳۹ اگر در رکعت دوم اقتدا کند قنوت و تشهد را با امام می‌خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، یا نیت فرادی کند و نمازش صحیح است، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

۱۴۴۰ اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است، بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد، و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد، یک مرتبه بگوید و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

۱۴۴۱ اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و ماموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی رسد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نماید.

۱۴۴۲ اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد باید حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

۱۴۴۳ کسی که می داند اگر سوره را بخواند در رکوع به امام نمی رسد، باید سوره را نخواند، ولی اگر خواند نمازش صحیح است.

۱۴۴۴ کسی که اطمینان دارد که اگر سوره را شروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می رسد، احتیاطاً واجب آن است که سوره را شروع کند یا اگر شروع کرده تمام نماید.

۱۴۴۵ کسی که یقین دارد، اگر سوره را بخواند به رکوع امام می رسد، چنانچه سوره را بخواند و به رکوع نرسد نمازش صحیح است.

۱۴۴۶ اگر امام ایستاده باشد و ماموم نداند که در کدام رکعت است می تواند اقتدا کند ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است.

۱۴۴۷ اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره نخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده نمازش صحیح است. ولی اگر پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

۱۴۴۸ اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره را بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است.

۱۴۴۹ اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است جماعت بر پا شود چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد مستحب است به همین دستور رفتار نماید.

۱۴۵۰ اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی است جماعت بر پا شود چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است به نیت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند.

۱۴۵۱ اگر نماز امام تمام شود و ماموم مشغول تشهد یا سلام اول باشد لازم نیست نیت فرادی کند.

۱۴۵۲ کسی که یک رکعت از امام عقب مانده وقتی امام تشهد رکعت آخر را می خواند می تواند برخیزد و نماز را تمام کند و یا انگشتان دست، و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوهای بلند نگه دارد و صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد.

شرایط امام جماعت

۱۴۵۳ امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند، و نیز اگر ماموم مرد است امام او هم باید مرد باشد. و اقتدا کردن بچه ممیز که خوب و بد را می‌فهمد به بچه ممیز دیگر جایز نیست. و احتیاط واجب آن است که امام زن نیز مرد باشد.

۱۴۵۴ امامی را که عادل می‌دانسته، اگر شک کند به عدالت خود باقی است یا نه، می‌تواند به او اقتدا نماید.

۱۴۵۵ کسی که ایستاده نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند و کسی که نشسته نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اقتدا نماید.

۱۴۵۶ کسی که نشسته نماز می‌خواند می‌تواند به کسی که نشسته نماز می‌خواند اقتدا کند و همچنین کسی که خوابیده است می‌تواند به کسی که نشسته نماز می‌خواند اقتدا کند ولی کسی که نشسته نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اقتدا نماید.

۱۴۵۷ اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا با وضوی جبیره‌ای نماز بخواند می‌شود به او اقتدا کرد ولی اگر به واسطه عذری با لباس نجس نماز می‌خواند بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.

۱۴۵۸ اگر امام مرضی دارد که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند بنا بر احتیاط واجب نمی‌شود به او اقتدا کرد.

۱۴۵۹ بنا بر احتیاط واجب کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، نباید امام جماعت شود.

احکام جماعت

۱۴۶۰ موقعی که ماموم نیت می‌کند باید امام را معین نماید، ولی دانستن اسم او لازم نیست، مثلاً اگر نیت کند اقتدا می‌کنم به امام حاضر نمازش صحیح است.

۱۴۶۱ ماموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد باید حمد و سوره را بخواند.

۱۴۶۲ اگر ماموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد.

۱۴۶۳ اگر ماموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره را نخواند.

۱۴۶۴ اگر ماموم سهواً حمد و سوره بخواند یا خیال کند صدایی را که می‌شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده نمازش صحیح است.

۱۴۶۵ اگر شک کند که صدای امام را می‌شنود یا نه، یا صدایی بشنود و نداند صدای امام است یا صدای کس دیگر، می‌تواند حمد و سوره بخواند.

۱۴۶۶ ماموم باید در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، حمد و سوره نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.

۱۴۶۷ ماموم نباید تکبیر الاحرام را پیش از امام بگوید بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.

۱۴۶۸ اگر ماموم پیش از امام عمدا هم سلام دهد نمازش صحیح است.

۱۴۶۹ اگر ماموم غیر از تکبیر الاحرام و سلام چیزهای دیگر نماز را پیش از امام بگوید اشکال ندارد ولی اگر آنها را بشنود یا بداند امام چه وقت می‌گوید، احتیاط مستحب آن است که پیش از امام نگوید.

۱۴۷۰ ماموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می‌شود کارهای دیگر آن مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد و اگر عمدا پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد، معصیت کرده و لی نمازش صحیح است، اما اگر در دو رکن پشت سر هم از امام جلو یا عقب بیفتد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند، اگر چه بعید نیست نمازش صحیح باشد و فرادی شود.

۱۴۷۱ اگر سهوا پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است نماز را باطل نمی‌کند ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد نمازش باطل است.

۱۴۷۲ اگر اشتباها سر بردارد و ببیند امام در سجده است باید به سجده برگردد و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد برای زیاد شدن دو سجده که رکن است نماز باطل نمی‌شود.

۱۴۷۳ کسی که اشتباها پیش از امام سر از سجده برداشته هرگاه به سجده برگردد، و هنوز به سجده نرسیده امام سر بردارد، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، نماز باطل است.

۱۴۷۴ اگر اشتباها سر از رکوع یا سجده بردارد و سهوا یا به خیال اینکه به امام نمی‌رسد به رکوع یا سجده نرود نمازش صحیح است.

۱۴۷۵ اگر سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است چنانچه به خیال این که سجده اول امام است، به قصد این که با امام سجده کند به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده باید بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و از سر بخواند و اگر به خیال اینکه سجده دوم است به سجده رود و بفهمد سجده اول امام بوده احتیاط آن است که نماز را فرادی تمام نماید اگر چه می‌تواند متابعت امام را بکند و به سجده رود و نماز را تمام کند.

۱۴۷۶ اگر سهوا پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بردارد به مقداری از قرائت امام می‌رسد، چنانچه سر بردارد و با امام به رکوع رود نمازش صحیح است.

۱۴۷۷ اگر سهوا پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی‌رسد، واجب است سر بردارد و با امام نماز را تمام کند و نمازش صحیح است اگر چه احوط استحبابی در این صورت اعاده نماز است، و اگر سر بردارد تا امام برسد نمازش صحیح است.

۱۴۷۸ اگر سهوا پیش از امام به سجده رود، واجب است که سر بردارد و با امام به سجده رود و نمازش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی در این صورت اعاده نماز است و اگر بر نداشت نمازش صحیح است.

۱۴۷۹ اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد اشتباها قنوت بخواند یا در رکعتی که تشهد ندارد اشتباها مشغول خواندن تشهد شود ماموم نباید قنوت و تشهد را بخواند ولی نمی‌تواند پیش از امام به رکوع رود، یا پیش از ایستادن امام بایستد بلکه باید صبر کند تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیه نماز را با او بخواند.

حیض

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می‌شود، و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می‌گویند.

۴۳۴ خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

۴۳۵ زندهای سیده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می‌شوند، یعنی خون حیض نمی‌بینند. و زندهایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می‌شوند.

۴۳۶ خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال و زن بعد از یائسه شدن می‌بیند، حیض نیست.

۴۳۷ زن حامله و زنی که بچه شیر می‌دهد، ممکن است حیض ببیند.

۴۳۸ دختری که نمی‌داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض نیست. و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد و اطمینان به حیض بودنش پیدا کند، حیض است و معلوم می‌شود نه سال او تمام شده است.

۴۳۹ زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

۴۴۰ مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌شود. و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد، حیض نیست.

۴۴۱ باید سه روز اول حیض، پشت‌سر هم باشد. پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست.

۴۴۲ لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فرج خون باشد، کافی است. و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده، باز هم حیض است.

۴۴۳ لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود. پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت‌سر هم خون بیاید، یا در وسط‌های روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود، حیض است.

۴۴۴ اگر سه روز پشت‌سر هم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، روی هم از ده روز بیشتر نشود، روزهایی هم که در وسط پاک، بوده حیض است.

۴۴۵ اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد، و نداند خون دمل است یا خون حیض، چنانچه نداند دمل در طرف چپ است یا طرف راست در صورتی که ممکن باشد، مقداری پنبه داخل کند و بیرون آورد، پس اگر خون از طرف چپ بیرون آید، خون حیض است و اگر از طرف راست بیرون آید خون دمل است. و اگر ممکن نباشد که وارسی کند، در صورتی که

می‌داند خون سابق حیض بوده، حیض قرار دهد. و اگر دمل بوده، خون دمل قرار دهد. و اگر نمی‌داند خون حیض بوده یا دمل، باید همه چیزهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند، و همه عبادتهایی را که زن غیر حائض انجام می‌دهد، بجا آورد.

۴۴۶ اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون حیض است یا زخم، اگر قبلاً حیض بوده حیض، و اگر پاک بوده پاک قرار دهد. و چنانچه نمی‌داند پاک بوده یا حیض، همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادتهایی که زن غیر حائض انجام می‌دهد بجا آورد.

۴۴۷ اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

۴۴۸ اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند بعد بیرون آورد، پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است. و اگر به همه آن رسیده، حیض می‌باشد.

۴۴۹ اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز خون ببیند خون دوم حیض است، و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد حیض نیست.

احکام حائض

۴۵۰ چند چیز بر حائض حرام است: اول: عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی بجا آوردن عبادتهایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد. دوم: تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد. سوم: جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه به مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه‌گاه را هم داخل نکند. و در دبر زن حائض وطی کردن، کراهت شدید دارد.

۴۵۱ جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد، حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می‌بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می‌شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی‌تواند در آن روزها با او نزدیکی کند.

۴۵۲ اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن، با زن خود در قبل جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند باید چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می‌بیند اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند باید هیجده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد.

۴۵۳ وطی در دبر زن حائض، کفاره ندارد.

۴۵۴ لازم نیست طلای کفاره را از طلای سکه‌دار بدهد، ولی اگر بخواهد قیمت آن را بدهد، باید قیمت سکه‌دار بدهد.

۴۵۵ اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می‌خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که می‌خواهد به فقیر بدهد حساب کند.

۴۵۶ اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض، بازن خود جماع کند، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می‌شود بدهد.

۴۵۷ اگر انسان بعد از آنکه در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را داده دوباره جماع کند واجب است باز هم کفاره بدهد.

۴۵۸ اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آن کفاره ندهد، احتیاط واجب آن است که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

۴۵۹ اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود. و اگر جدا نشود، بنابر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

۴۶۰ اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان اینکه عیال خود او است جماع نماید، احتیاط واجب آن است که کفاره بدهد.

۴۶۱ کسی که نمی‌تواند کفاره بدهد، بهتر آن است که صدقه‌ای به فقیر بدهد. و اگر نمی‌تواند، بنابر احتیاط واجب باید استغفار کند، و هر وقت توانست باید کفاره بدهد.

۴۶۲ طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می‌شود، باطل است.

۴۶۳ اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاک شده‌ام، باید حرف او را قبول کرد.

۴۶۴ اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

۴۶۵ اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده، نمازی که خوانده باطل است.

۴۶۶ بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است. ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد، و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است.

۴۶۷ بعد از آن که زن از خون حیض، پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است، و شوهرش هم می‌تواند با او جماع کند. ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری کند. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکنند بر او حلال نمی‌شود.

۴۶۸ اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه‌ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد، بنابر احتیاط واجب باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید. و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید. و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

۴۶۹ نمازهای یومیه‌ای که زن در حال حیض نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.

۴۷۰ هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تاخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز بخواند.

۴۷۱ اگر زن نماز را تاخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است. ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند، مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می‌شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اول ظهر بگذرد و حائض شود، و برای کسی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است. و نیز باید ملاحظه تهیه شرایطی را که دارا نیست بنماید، پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقدمات و خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است، و گرنه واجب نیست.

۴۷۲ اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را بجا آورد.

۴۷۳ اگر زن حائض به اندازه غسل و وضو وقت ندارد، ولی می‌تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نیست. اما اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است، مثل آنکه آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند.

۴۷۴ اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.

۴۷۵ اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد نماز نخواند، و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را بجا آورد.

۴۷۶ مستحب است زن حائض در وقت نماز خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد، و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

۴۷۷ خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و ما بین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.

اقسام زندهای حائض

۴۷۸ زندهای حائض بر شش قسمند: اول: صاحب عادت وقتیه و عددیه، و آن زنی است که دو ماه پشت‌سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آنکه دو ماه پشت‌سر هم از اول ماه تا هفتم خون ببیند. دوم: صاحب عادت وقتیه، و آن زنی است که دو ماه پشت‌سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت‌سر هم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم، و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود. سوم: صاحب عادت عددیه، و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت‌سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آنکه ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند. چهارم: مضطربه، و آن زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت تازه‌ای پیدا نکرده است. پنجم: مبتدئه، و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است. ششم: ناسیه، و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است. و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسایل آینده گفته می‌شود.

۱- صاحب عادت وقتیه و عددیه

۴۷۹ زندهایی که عادت وقتیه و عددیه دارند سه دسته‌اند: اول: زنی که دو ماه پشت‌سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت‌سر هم از روز اول ماه، خون ببیند و روز هفتم پاک شود، که عادت حیض این

زن از اول ماه تا هفتم است. دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت‌سر هم چند روز معین مثلا از اول ماه تا هشتم خونی که می‌بیند نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید. و بقیه خونهای او نشانه‌های استحاضه را دارد، که عادت او از اول ماه تا هشتم می‌شود. سوم: زنی که دو ماه پشت‌سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلا اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آن که سه روز خون دید، سه روز یا کمتر یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از نه روز بیشتر نشود، همه حیض است، و عادت این زن نه روز می‌شود.

۴۸۰ زنی که عادت وقتی و عددیه دارد اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب‌تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل اینکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادتهایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

۴۸۱ زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است، و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده استحاضه می‌باشد، و باید عبادتهایی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت بجا نیاورده قضا نماید. و اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت او حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده استحاضه می‌باشد، و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده باید قضا نماید. و اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر بیشتر شود، فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است.

۴۸۲ زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز پیش از آن که روی هم به مقدار عادت او شود حیض، و روزهای اول را استحاضه قرار می‌دهد. و اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز بعد از آن که روی هم به مقدار عادت او شود حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۴۸۳ زنی که عادت دارد، اگر بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید، پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد، مثل آنکه پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد: ۱- آنکه تمام خونی که دفعه اول دیده، یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می‌بیند در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد. ۲- آنکه خون اول در روزهای عادت نباشد، و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض و خون اول را استحاضه قرار دهد. ۳- آنکه مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد، و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد، که در این صورت همه آنها حیض است. و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است، مثلا اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم حیض است و از اول تا سوم و همچنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می‌باشد. ۴- آنکه مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد. ولی

خون اولی که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر باشد، که باید در تمام دو خون و پاکی وسط، کارهایی را که بر حائض حرام است و سابقاً گفته شد ترک کند و کارهای استحاضه را بجا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادت‌های خود را انجام دهد.

۴۸۴ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن.

۴۸۵ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خود او باشد و بعد از پاک شدن، دوباره به شماره روزهای عادت که داشته خون ببیند، باید در هر دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای استحاضه را بجا آورد.

۴۸۶ زنی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض است. و خونی که بعد از روزهای عادت دیده، اگر چه نشانه‌های حیض را نداشته باشد، استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است، اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن حیض، و پنج روز بعد استحاضه می‌باشد.

۲- صاحب عادت وقتیه

۴۸۷ زنهایی که عادت وقتیه دارند سه دسته‌اند: اول: زنی که دو ماه پشت‌سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود، ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد. مثلاً دو ماه پشت‌سر هم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم، و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد. دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت‌سر هم در وقت معین خون او نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید، و بقیه خونهای او نشانه استحاضه را دارد، و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد، در هر دو ماه یک اندازه نیست. مثلاً در ماه اول، از اول ماه تا هفتم، و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم، خون او نشانه‌های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد. سوم: زنی که دو ماه پشت‌سر هم در وقت معین، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد. مثلاً در ماه اول هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

۴۸۸ زنی که عادت وقتیه دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت، خون ببیند به طوری که بگویند حیض راجلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زنه‌های حائض گفته شد، رفتار نماید. و اگر بعد بفهمد حیض نبوده، مثل آنکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت‌هایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

۴۸۹ زنی که عادت وقتیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چه پدری باشند چه مادری، زنده باشند یا مرده. ولی در صورتی می‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد، نمی‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد. مگر کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد، به قدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند، که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد.

۴۹۰ زنی که عادت وقتییه دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می‌دهد، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده، اول حیض خود قرار دهد. مثلاً زنی که هر ماه، روز اول ماه خون می‌دیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می‌شده، چنانچه یک ماه، دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

۴۹۱ زنی که عادت وقتییه دارد و باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چنانچه خویش نداشته باشد، یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد، باید در هر ماه از روزی که خون می‌بیند تا هفت روز را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۳- صاحب عادت عددیه

۴۹۲ زنهایی که عادت عددیه دارند سه دسته‌اند: اول: زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت‌سر هم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می‌شود. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می‌شود. دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت‌سر هم چند روز از خونی که می‌بیند نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می‌شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم، خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می‌شود. سوم: زنی که دو ماه پشت‌سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می‌شود، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود، و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادت او هشت روز می‌شود.

۴۹۳ زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد، باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر همه خونهایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، اگر روزهایی که خون، نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او بیشتر است، فقط به اندازه روزهای عادت او حیض، و بقیه استحاضه است. و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است، باید آن روز را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مضطربه

۴۹۴ مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد، چنانچه عادت خویشان او هفت روز است، باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر کمتر است مثلاً پنج روز است، باید همان را حیض قرار دهد. و بنابر احتیاط واجب در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز، که دو روز است، کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید، و کارهای استحاضه را بجا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادتهای خود را انجام دهد. و اگر عادت خویشانش بیشتر از هفت روز مثلاً نه روز است، باید هفت روز

را حیض قرار دهد و بنابر احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان، که دو روز است، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید.

۴۹۵ مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است. و اگر خونی که نشانه حیض را دارد کمتر از سه روز باشد، باید همان را حیض قرار دهد، و تا هفت روز بقیه به دستوری که در مساله قبل گفته شد رفتار نماید. و همچنین است اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد، دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد، مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد، و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید خون اول را حیض قرار دهد و بقیه آن را تا هفت روز به دستوری که در مساله قبل گفته شد رفتار نماید.

مبتدئه

۴۹۶ مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشان خود را به طوری که در وقتیته گفته شد حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۴۹۷ مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است. ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید از اول خون اول، که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد، و در عدد، رجوع به خویشانان خود کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۴۹۸ مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید از اولی که خون نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد، به خویشانان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۶- ناسیه

۴۹۹ ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد تا ده روز حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، بنابر احتیاط واجب باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسائل متفرقه حیض

۵۰۰ مبتدئه و مضطربه و ناسیه و زنی که عادت عدویه دارد، اگر خونی ببیند که نشانه های حیض داشته باشد یا یقین کنند که سه روز طول می کشد، باید عبادت را ترک کنند. و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، باید عبادتهایی را که بجا نیاورده اند، قضا نمایند. ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می کشد و نشانه های حیض را هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید تا سه روز کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند. و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند، باید آن را حیض قرار دهند.

۵۰۱ زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض عادت داشته باشد چه در عدد حیض، یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن

یکی باشد، عادتش بر می‌گردد به آنچه در این دو ماه دیده است. مثلاً اگر از روز اول ماه تا هفتم خون می‌دیده و پاک می‌شده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه، خون ببیند و پاک شود، از دهم تا هفدهم عادت او می‌شود.

۵۰۲ مقصود از یک ماه، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

۵۰۳ زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می‌بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده‌از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

۵۰۴ اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه‌های حیض ببیند، باید خون اول و خون آخر را که نشانه‌های حیض داشته، حیض قرار دهد.

۵۰۵ اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادت‌های خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند. ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند، نباید غسل کند و نمی‌تواند نماز بخواند، و باید به احکام حائض رفتار نماید.

۵۰۶ اگر زن پیش از ده روز پاک شود، و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد. پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد. و اگر پاک نبود، اگر چه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد، چنانچه در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند، و اگر سر ده روز پاک شد، یا خون او از ده گذشت، سر ده روز غسل نماید. و اگر عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می‌شود، نباید غسل کند. و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می‌گذرد، احتیاط واجب آن است که تا یک روز عبادت را ترک کند و بعد از آن می‌تواند تا ده روز عبادت را ترک کند. ولی بهتر است تا ده روز کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را انجام دهد. پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز از خون پاک شد تمامش حیض است، و اگر از ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادت‌هایی را که بعد از روزهای عادت بجا نیاورده قضا نماید.

۵۰۷ اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه‌ای را که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید. و اگر چند روز را به گمان این که حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته، باید قضا نماید.